

بسمه تعالی



نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۳۰

۱۹۰۴

۱۳۸۳/۱۱/۱۱

سر دبیر و مدیرمسئول محترم روزنامه شرق

با سلام، در شماره ۳۸۶ مورخ یکشنبه ۸۳/۱۰/۲۰، روزنامه شرق مطالبی به نقل از آقای سیدحمید روحانی نقل شده است که در آنها تعریضهای فراوان و نادرست به احزاب ملی - اسلامی و افراد شاخص جنبش روشنفکری ایران، از جمله نهضت آزادی ایران و شادروان مهندس مهدی بازرگان، دبیرکل فقید نهضت، وجود دارد. لذا خواهشمند است که مطابق قانون مطبوعات، پاسخ مطالب یادشده را به شرح زیر در روزنامه درج فرمایید:

۱- آقای سید حمید روحانی، که از تاریخ نگاران رسمی ایران است، در سخنرانی نوزدهم دی ماه ۸۳، به شیوه معمول در تبلیغات و آموزشهای حکومتی در ۲۶ سال گذشته، سعی کرده که تلاشهای اجتماعی و سیاسی و مبارزات ضد استبدادی در دوران پیش از انقلاب ۱۳۵۷ را به فعالیت‌های روحانیان منحصر کند و برای اثبات نقش انحصاری روحانیت شیعه در جنبش‌های سیاسی معاصر، همه فعالیت‌های روشنفکران غیرروحانی را نفی یا انکار نماید. واقعیت این است که نه همه روحانیان و مراجع در مبارزات ضد استبدادی یا ضد استعماری فعال بوده و نه تمامی روشنفکران سازشکار و طرفدار استبداد بوده‌اند.

۲- ایشان مدعی شده است که: «گروه‌های سیاسی از جمله نهضت آزادی ایران و بازرگان، اصلاً در مقابل کاپیتولاسیون نفس نکشیدند... آنها مبارزه با کاپیتولاسیون را مبارزه با آمریکا می‌دانستند و تأکید داشتند که نباید با آمریکا مبارزه کرد»

دو ایراد و اشکال اساسی بر این داوری مغرضانه وارد است. اول آن که در بهمن ماه سال ۱۳۴۱ نه تنها اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی، از جمله مهندس بازرگان دکتر یدالله سبحانی و آیت الله طالقانی بلکه بسیاری از فعالان نهضت در چندین گروه بازداشت و در دادگاه نظامی محاکمه و به زندان و تبعید در مناطق دوردست محکوم شدند. بنابراین، در زمان تصویب قانون کاپیتولاسیون در سال ۱۳۴۳، رهبران و فعالان نهضت در زندان به سر می بردند و از این رو، ادعای سکوت و عدم واکنش ایشان به لایحه کاپیتولاسیون و اتهام عدم اعتقاد به مبارزه با آمریکا، کلامی دور از انصاف است. همچنان که رهبر فقید انقلاب، از زمان دستگیر شدن و تبعید به ترکیه تا هنگام انتقال به عراق، بیانیه‌ای صادر نکرده‌اند و مطلبی درباره مسائل ایران نگفته‌اند، اما هیچ تاریخ‌نگار منصفی آن را حمل بر سازش با حاکمیت استبدادی تلقی نمی‌کند.

دوم این که مروری بر وقایع دهه‌های ۳۰ و ۴۰ نشان می‌دهد که به فاصله کوتاهی پس از فتنه‌گری و دخالت عوامل سفارتخانه‌های آمریکا و انگلیس در امور داخلی ایران و همراهی عوامل دربار با آنان علیه دولت ملی دکتر مصدق در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نهضت مقاومت ملی علیه دولت کودتا شکل گرفت و بزرگانی چون آیت‌الله سید رضا زنجانی، مهندس بازرگان و دکتر یدالله سبحانی در تشکیل و ادامه آن نقش اساسی داشتند. به دنبال فعالیت‌های نهضت مقاومت ملی و اعتصابات و اعتراضات بازاریان و دانشجویان بود که سران و فعالان بازار بازداشت و به جزیره خارک تبعید و طیف گسترده‌ای از فعالان سیاسی و دانشجویان زندانی گردیدند و سه دانشجوی قهرمان دانشکده فنی دانشگاه تهران، در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ به خاک و خون کشیده شدند. نیز، در ادامه همان فعالیت‌ها، بود که دوازده استاد مبارز دانشگاه تهران، از جمله مهندس بازرگان و دکتر یدالله سبحانی، در اعتراض به عقد قرارداد با کنسرسیون نفت از دانشگاه اخراج شدند. به گواهی اسناد موجود (اسناد نهضت مقاومت ملی، جلدهای ۱، ۲ و ۵)، مبارزات نهضت مقاومت ملی، بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دو محور اساسی داشت: یکی علیه استبداد داخلی و دولت کودتا و دیگری بر ضد سیطره و تسلط دولتهای آمریکا و انگلیس. و این در حالی بود که برخی از روحانیان آن کودتای ننگین را قیام ملی و مردمی دانستند و تایید کردند.

در ادامه حرکت نهضت مقاومت ملی، شادروان مهندس بازرگان و همفکران ایشان در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۴۰ نهضت آزادی ایران را در راستای مبارزه با ظلم نظام استبداد، سلطه بیگانگان و تلاش برای تحقق آرمان‌های آزادی و استقلال بنا نهادند.

اسناد سیاسی و تحلیلی نهضت آزادی ایران و شخص مهندس بازرگان در طول ۴۳ سال، (یعنی از زمان تأسیس نهضت تا به امروز)، تماماً در دسترس علاقه‌مندان و صاحب‌نظران می‌باشد. بررسی منصفانه این اسناد نشان می‌دهد که مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی همواره دو محور اصلی هدفها و فعالیت‌های نهضت بوده است. و این که ترکیب استبداد داخلی و استعمار خارجی همواره در تعارض جدی با اختیار و آزادی خدادادی ملت، کرامت انسانی و مصالح و منافع ملی دانسته شده و در حد توان با آن مقابله شده است. اگرچه به لحاظ اولویت و اهمیت، تأثیر استعمار خارجی به اتکای استبداد داخلی و جدایی دولت - ملت و نفوذ عوامل خارجی در حاکمیت نامشروع و فاقد تکیه‌گاه داخلی دانسته شده است. به بیان دیگر، در همه این اسناد، مواضع و تحلیل‌ها - به طور کلیدی و محوری - پدیده استعمار خارجی زائیده و معلول مناسبات و روابط ناسالم داخلی هر جامعه و کلید حل مشکل در اصلاح نظام داخلی کشور و گسترش قانون‌مداری، آزادی و عدالت داخلی معرفی شده و بر این نکته پیوسته تأکید گردیده‌است که هرگاه ملتی زمام اختیار خود را به دست گیرد و حکومت تجلی اراده ملی بوده، بر ملت خویش متکی باشد، روزنه نفوذ و اعمال قدرت استعمارگران خارجی بسته می‌شود.

۳- آقای روحانی در جای دیگری مدعی شده است که نهضت آزادی ایران در اطلاعیه‌های خود دست و پا می‌زده است که سلطنت را حفظ کند! این سخن کاملاً بی پایه است. در مقطع حوادث سال ۵۷، همان‌گونه که آقای سیدحمید روحانی اعتراف کرده‌است، نهضت آزادی ایران، اولین گروهی بود که طی اعلامیه‌ای در شهریور ۵۷ ریشه بحران کشور را تقابل شاه و ملت دانسته، راه رفع آن را خروج و استعفای شاه اعلام کرده است. اما معلوم نیست که آقای روحانی با چه انگیزه‌ای و بر چه پایه مستندی معنا یا هدف این اعلامیه را دست و پا زدن برای حفظ نظام سلطنت تعبیر کرده است! گمان نمی‌رود این تناقض آشکار در سخنان ایشان، نیازی به پاسخ یا توضیح داشته باشد.

۴- ادعای دیگر آقای روحانی این است که: «نهضت آزادی از سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۵۷ حتی یک اعلامیه صادر نکرد»

این نیز ادعای نادرستی است. اولاً، در جلد‌های ۹ و ۱۱ اسناد نهضت آزادی ایران، فعالیت‌های اعضا و علاقه‌مندان نهضت و بیانیه‌های مختلف در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ منعکس شده‌است و خلاف ادعای ایشان را نشان می‌دهد.

ثانیاً، اعضا و علاقه‌مندان نهضت آزادی ایران در خارج از کشور، در طول سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷، در مبارزات ضد استبدادی و ضد سلطه بیگانه و دفاع از مبارزان داخل ایران و پیگیری مطالبات

ملت ایران نقش موثر و جدی داشته‌اند. در سفر تاریخی و سرنوشت‌ساز رهبر فقید انقلاب به پاریس و در فعالیتهای آن دوره، رهبران و اعضای نهضت آزادی ایران، از جمله آقای دکتر ابراهیم یزدی، حضور و نقش کلیدی و چشم‌گیر داشته‌اند.

۵- آقای روحانی در مورد شخصیت‌های ملی مورد احترام ملت ایران، مانند دکتر محمد مصدق، و ملی شدن صنعت نفت ایران نیز مطالبی گفته‌اند که به کلی بی‌پایه است. ملت ایران بارها در فرصت‌های گوناگون علاقه، احترام و تحسین خود را نسبت به دکتر مصدق نشان داده است. در مورد جنبش ملی شدن نفت، تردیدی وجود ندارد که حمایت مراجع بزرگ تقلید از جنبش یاد شده در پیروزی آن موثر بوده است. اما اسناد و مدارک گویای آن است که پیشنهاد ملی کردن صنعت نفت را شهید دکتر سید حسین فاطمی مطرح کرد، نه مرحوم آیت الله کاشانی.

۶- آقای روحانی در حالی که شرایط سال ۱۳۴۹ را حساس دانسته‌اند و به دکتر شریعتی، به خاطر نقد برخی از آثار علامه مجلسی، حمله کرده و به این بهانه، روشنفکران را به طور عام و روشنفکران دینی را به طور خاص متهم به سازش با استبداد کرده‌است، اما توضیح نمی‌دهد که علت حساس بودن شرایط سال ۱۳۴۹ چه بوده است. در این مقطع از تاریخ مبارزات ملت ایران، کدام گروه‌ها فعال بودند؟ در حالی که تقریباً تمام جناح‌ها و گروه‌ها، از جمله روحانیان و بزرگان حوزه علمیه قم در سکوت فرو رفته بودند آیا جز این بود که جوانان روشنفکر و روشنگر، از تبار روشنفکران دینی و غیردینی، با تدارک و اقدامات جسورانه و فداکاری‌های بی‌سابقه سکوت و حشتناک ایجاد شده شرایط نظام استبداد سلطنتی را شکستند و الگویی از فداکاری و ایثار را فراروی نسل زمان خود قرار دادند؟ دکتر شریعتی در زنده کردن برخی از مقولات و مفاهیم اساسی، مانند استضعاف، جهاد و شهادت، نقش موثر و تردیدناپذیر داشته است.

یکسونگری و مطلق‌بینی در روایت تاریخ باعث مسخ و تحریف واقعیت‌ها و قربانی کردن حقایق در مسلخ تعصبات سیاسی، گروهی و صنفی است. چنین رفتارهایی با مبانی و ارزشهای اسلامی و قرآنی فاصله‌ای بسیار دارد.

روابط عمومی